لزوم تفکیک سه بحث مصاحف الصحابه، مصاحف الالمصار و خطای کاتب

- عدم اعتناء اهل فن قرائات به مسأله خطأ الکاتب
- عدم طرح مسأله خطأ الکاتب در تصانیف اولیه پیرامون مصاحف
- عدم توجه به مطلب مسلم و جا افتاده «تواتر قرائات» در کتاب حقائق الهامة
- تهافتی در کتاب التمهید
- مبدأیت مغایره در تحفظ بر رسم المصحف بهخاطر فتوای مالک

عدم اعتناء اهل فن قرائات به مسأله خطأ الکاتب

خُب حالا که به این صورت است، سراغ رسم المصحف می‌آیم و چند نکته را عرض می‌کنم. ببینید سه تا بحث هست، هر وقت در هر فضایی، در علوم قرآنی و این مباحث، نقل تاریخی و علمی را دیدید، این سه تا یادتان باشد تا فوری جای آن را تعیین کنید. سه تا بحث بسیار مهم است. این‌ها نزدیک هم است. چون نزدیک هم هستند در خیلی از کتاب‌ها علیه و له یکدیگر از آن استفاده می‌کنند و استدلال می‌کنند. یکی فضای مصاحف الصحابة است. یعنی قبل از جمع عثمان. بحث‌های مفصلی دارد. نقل های مختلفی دارد. گاه بعد، مصاحف الامصار است. یعنی مصحف عثمانی که به شش-هفت شهر فرستاده شد. پس مصاحف الصحابه یک فضای است که نباید مستندات آن با دیگری مخلوط شود. مصاحف الامصار فضای دیگری است. این هم نباید مخلوط شود. سوم خطای کاتب است. این سه تا کاملاً با هم متفاوت هستند. خود خطأ الکاتب در روایات یک بحثی است. یعنی ناسخی که می‌نوشته اشتباه می‌نوشته. این سه تا کاملاً متفاوت است. مصاحف الامصار اصلاً ربطی به خطأ الکاتب ندارد. یک بحث مستقلی است و حسابی جدا دارد. نزد اهل فن این علوم حساب خاص خودش را دارد. خطأ الکاتب امر دیگری است. خطأ الکاتب بحث ضعیفی است که با چند روایت مطرح می شود. اصلاً بین اهل فن به این خطأ الکاتب ارزشی نداده‌اند. فقط در کتاب‌های روائی آمده که فلانی گفت به این صورت شنیدم و فلانی اینطور گفت. و لذا مفسرین هم به این خطأ الکاتب بها نمی‌دهند.

شاگرد: ادعای خطأ الکاتب در کجا شده؟

استاد: مثلاً سعید بن جبیر که از بزرگان تابعین است. مقری بسیار بزرگی است. سعید بن جبیر گفته[1] در چهار جای قرآن خطأ الکاتب داریم. یکی در «إِنْ هَٰذَانِ لَسَاحِرَانِ»[2]، دومی در «وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»[3]، سومی در «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ»[4]. در این آیه باید «الصابئین» باشد، آن هم باید «المقیمون» باشد، و در اولی «انّ هذین» باشد. چهارمی هم «فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ»[5]. در اینجا باید «اکون» باشد ولی «اکن» دارد. این چهار مورد را سعید بن جبیر در همان زمان گفته است.

---

[1]حدثنا عبد الله قال حدثنا الفضل بن حماد الخيري، حدثنا خلاد يعني ابن خالد، حدثنا زيد بن الحباب، عن أشعث، عن سعيد بن جبير قال: "في القرآن أربعة أحرف لحن: {الصابئون} ، {والمقيمين} [النساء: 162] ، {فأصدق وأكن من الصالحين} [المنافقون: 10] ، و {إن هذان لساحران} (المحاحف لابن أبي داود ص: ١٢٨)

[2]طه۶۳

[3]النساء ١٦٢

[4]المائدة ٦٩

[5]المنافقون ١٠

عدم طرح مسأله خطأ الکاتب در تصانیف اولیه پیرامون مصاحف

شاگرد: اولین کسی که خطأ الکاتب را مطرح کرده همین سعید بن جبیر است؟ در زمان خود حضرت پیشینه دارد؟

استاد: نه، در زمان خود حضرت نه. کسانی که این بحث را شروع میکنند میگویند وقتی زدن عثمان آوردند، گفت: «في القرآن لحن وستقيمه العرب بألسنتها»[1]. عایشه گفت: «بُنیّ هذا من خطأ الکتاب». در روایات هم هست؛ در کافی دارد: «اخطأت الکتبة»[2]. اصلاً بحث خطأ الکتاب در مصحف، برای خودش یک بحثی است. اما این بحث، در فضای تصانیف نیست. اگر پیدا کردی به من هم بگویید. ببینید برای اختلاف مصاحف امصار؛ یعنی مصاحفی که به پنج شهر فرستادند با هم متفاوت بودند، برای این مصاحف چقدر تصنیف شده. خود صاحب التمهید[3] که بهشدت به این رسم المصحف حمله میکنند در ابتدای کتابشان وقتی میخواهند تصنیفات را بگویند، میگویند در قرن اول یحیی بن یعمر اولین کتاب را برای همین مسأله مصاحف نوشته است. دومین کتاب را برای ابن عامر میگویند. میگویند دومین مصنف کیست؟ قاری صد و سیزده ساله، ابن عامر است. چه کار کرده؟ روی این سنّی که برای خودش گفته، وقتی عثمان میخواست مصاحف را جمع کند حدود بیست سالش بوده. یعنی کسی که بعداً از قراء سبعه شده، قبل از زمان جمع مصاحف را درک کرده است. این جور کسی کتاب نوشته به نام «اختلاف مصاحف الامصار». اصلا خطای کاتب را مطرح نکرده است.خطای کاتب اصلاً برای ایشان مطرح نبوده.

---

[1]المصاحف لابن أبي داود (ص: ۱۲۰)

[2]الكافي- ط الاسلامية نویسنده : الشيخ الكليني جلد : 4صفحه : ۳۹۶

[3]التمهيد في علوم القرآن نویسنده : المعرفت، الشيخ محمد هادي جلد : ۱ صفحه : ۸

عدم توجه به مطلب مسلم و جا افتاده «تواتر قرائات» در کتاب حقائق الامامة

عجائبی دیدم، به‌آور! ابو عبید قاسم بن سلاّم در ۲۲۴ وفات کرده. در زمان امام هادی علیه‌السلام بوده. چند سال بعد از شهادت امام جواد علیه‌السلام وفات کرده. معروف هم هست. کتاب‌ها دارد. کتابش فضائل القرآن است. کتاب معروفی است. یکی از مهم‌ترین مستندات در عالم اسلام در علوم قرآنی کتاب او است. چون نویسنده مهمی است، کتابش مانده است. ایشان وقتی اختلاف مصاحف را می‌گوید -سید ابن طاووس در سعد السعود هم آورده‌اند- می‌گوید تمام این مصاحف «کل نزل به الروح الامین»[1]. تک‌تک مصاحفی که اختلاف دارند، خیال نکنید اشتباه شده، ببینید چه زمانی این را می‌گوید. یعنی مطلب جا افتاده‌ای است. من امروز کتاب‌هایی را می‌خواندم. می‌گفت «اغرب ابن الجزری». در یک فضایی حرفی را که کسی می‌زند، خوب است به گردن ابن جزری بگذاریم و بعد بگوییم «اغرب». خُب چون یک نفر است، آن را کنار می‌گذاریم. خُب او که تنها نیست. یک حرفی را می‌گوییم «ابن جزری اغرب» و حال اینکه وقتی به‌دنبال آن می‌رویم می‌بینیم یک مطلب جا افتاده و مسلم نزد اهل فن است. نه اینکه همینطور کسی آمده چیزی گفته است. قبلاً عرض کردم محقق ثانی و شهید ثانی، خودشان را در مقابل شهید اول، اهل فن نمی‌دانند. شهید اول اهل فن می‌شود. ایشان محکم می‌گویند لثبوت تواتر العشر.

شاگرد: کتاب فضائل القرآن برای چه کسی بود؟

---

[1]فضائل القرآن للقاسم بن سلام (ص: 328): «.... قال أبو عبيد: هذه الحروف التي اختلفت في مصاحف الأمصار، ... وهي كلها عندنا كلام الله، والصلاة بها تامة إذ كانت هذه حالها».

تهافتی در کتاب التمهید

استاد: ابو عبید قاسم بن السلام. وقتی اختلاف مصاحف را به تفصیل نام می‌برد در پایان می گوید همه آنها قرآن است. در فدکیه صفحه **رسم المصحف** هست. همچنین صفحه‌ای ایجاد کردم به نام **تعاضد الرسم و القرائات**. یعنی رسم المصحف و قرائات، در صیانتی که خداوند متعال در قرآن دارند، با هم قرآن کریم را نگه داشته‌اند. آن وقت کسانی که بخواهند به اینها خدشه کنند مدام در تناقض می‌افتند. در التمهید ببینید؛ یک جا می‌گویند رسم مصحف خط خام است و یک چیز ضعیف است. خُب وقتی خط خام بود چه کار کنند! مصحف با این خط نوشته شد. بعد می‌گویند اگر قرائات نبود، اصلاً قرآن نمی‌ماند. چون این خط ضعیف را هر کسی هر طور می‌خواند. لذا قرائات، پشتوانه این خط ضعیفی بود که نه نقطه داشت و نه اعراب داشت. این را یک جا می‌گویند. در جای دیگر می‌گویندمهمترین عامل تعدد قرائات که در آن شکی نیست، اختلاف مصاحف الامصار است. خُب قرائات رسم را نگه داشته، ای رسم سبب تعدد قرائات شده؟! اینها چیزهایی است که باید با هم جمع کنند.

اما وقتی ذهن شریف شما روی منابع اولیه بورد و درست تشخیص بدهی متخصص کیست؛ متخصصی که جزاف حرف نمی‌زند. بعد کلام او را سریع در نکنید. این خیلی مهم است که آدم ابتدا بفهمد او چه درجه‌ای از خبرویت را دارد. بعد که فهمید خبره هست، حرفی را دید که با ذهن جور نیست، سریع در نکند. در حقائق الامامه می‌گوید «اغرب ابن الجزری»، بعد می‌گویند اولاً، ثانیاً، ... خامساً. پنج دلیل می‌آورند برای در حرف اینها. ان شالله به آن می‌رسیم.

مبدأیت مغارب در تحفظ بر رسم المصحف بخاطر فتوای مالک

پس اصل حرف این است: سه فضا هست؛ مصاحف الصحابه، مصاحف الامصار و خطأ الکاتب. آن چیزی که در بحث مصاحف الامصار میخواهم عرض کنم، یک بحث شفاف و روشنی نزد اهل فن است. ما نباید حفظ کتاب خداوند را به او یاد بدهیم. او خودش بلد است. از کارهایی که درجهان اسلام شده دو شعبه است؛ مشارقه و مغاربه. مشارقه اصلاً به این رسم المصحف اعتنائی نداشتند. تصنیفاتشان هم کم است. به قرائات اعتناء داشتند؛ آن هم بخاطر استدلالاتش. اما رسم المصحف اینطور نیست. دعامه رسم المصحف و اصلیترین نوشتهها برای اندلسیها و مغاربه است. برای کسانی است که مذهبشان مالکی بود. دانی را ببینید. دانی مالکی است. بعدها در مثل ابن جزری که شاید شافعی باشد ادامه یافت. اما کارهای اولیه را اینها را کردند. حال چرا؟اول مالک که فقیه آنها است گفته قرائت نافع سنت است؛ دوم اینکه گفت «اکتبوا علی کتبة الاولی»؛ مالک اجازه نداد به خط دیگری مصحف را بنویسند. البته خود دانی که مالکی است، میگوید دیگرانهم همه میگویند؛ مالک تصریح کرده و ماندهاست. شاید هم همینطور باشد.در الموسوعة الفقهیة میگویند همه فقها میگویند. عبارت الموسوعة الفقهیة الکویتیة را آوردهام. میگوید همه فقها به این صورت میگویند. مشکلی هم ندارد.

در چنین فضایی میگویند مالک گفته که همانطور بنویسید. چون مالک گفته خط را به هم نزنید، و به هم زدن آن را حرام میدانند، آن هایی که مالکی بودند بهخصوص محافظت بر رسم المصحف بهعنوان یک امر واجب شرعی نگاه کردهاند و کتاب نوشتهاند. یکی دیگر که بسیار مهم است، این است: کسی کهدر سندهای نقل این رسم المصاحف مصدریت دارد ، خود نافع است. دانی دو-سه کتاب دارد. یکی «المقنع فی رسم المصاحف الامصار»، یکی دیگر «المحکم فی نقط المصاحف». رسم و نقط دو فن مهمی است.

علی ای حال اینها اهل فن بودند. مطالبی گفتهاند که نزد خودشان واضح و آشکار است. ما اول تشخیص بدهیم اهل فن چه کسانی هستند، بعد ببینیم چه گفته اند. اهل فن معصوم نیستند؛ ما نمیخواهیم تعصب به خرج بدهیم. اما این هم که سریع بگوییم چه گفتید و رد کنیم، نباید به این صورت باشد. ما باید در فضای خود اهل فن قرار بگیریم و بعد حرف بزنیم. رسم المصحف یکی از فنی ترین علوم قرآنی است. بسیار دقیق است. عرض کردم من خیلی تأسف میخورم که سالها بر ما گذشت و حال داریم این را متوجه میشویم که چقدر فنی است. اوائل بحث برخورد میکردم اما بهعنوان یک فن اصلاً ذهن من مطرح نبود. الآن میبینم چه دم و دستگاه ریشه داری است! مطالبی است که هر چقدر به دنبالش میروی به قدری مستند میشود که مثل خورشید در آسمان میشود. این کم است؟! بهخصوص اینکه رسم المصاحف با چشم دیده میشود. یعنی الآن هم میتوانید اثبات کنید. این خیلی جالب است. الآن به مصحف ده قرائتی نگاه کنید. در هر جا که قرائت عشر و مصاحف امصار اختلاف دارند، دقیقاً آوردهاست. یعنی وقتی قرائت «بظنین» و «بضنین» دو قرائت است، هر دو را آوردهاست. در متن اصلی قرائت حفص را آورده و در

حاشیه، مصاحف المصار را دقیقاً آورده است. این خیلی مغتنم است.